

اسناد نهایی «کاپ ۷» برای حفاظت از دریای خزر امضا می‌شود



معاون محیط زیست دریایی گفت: کارشناسان پنج کشور اسناد نهایی توافقی را برای امضا در روز چهارشنبه آماده می‌کنند.

به گزارش اقتصادسرآمد، احمدرضا لاهیجان‌زاده، معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست، با اشاره به روند برگزاری هفتمین کنفرانس اعضای کنوانسیون تهران برای حفاظت از محیط زیست دریای خزر توضیح داد: همکاری کشورهای منطقه برای حفاظت از محیط زیست دریای خزر از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و وزرای پنج کشور ساحلی این دریا با امضای سندی، بر همکاری مشترک برای حفاظت از این اکوسیستم ارزشمند تأکید کردند. این سند در سال ۱۳۸۵ لازم‌الاجرا شد و از آن زمان پنج کشور ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در چارچوب کنوانسیون تهران بسه همکاری‌های زیست‌محیطی خود ادامه داده‌اند.

لاهیجان‌زاده در ادامه افزود: بر اساس این کنوانسیون، نشست اعضا باید هر دو سال یکبار برگزار شود و در این نشست‌ها درباره تصمیمات و پروتکل‌های مرتبط با حفاظت از دریای خزر توافق شود.

معاون سازمان با اشاره به برگزاری «کاپ ۷» گفت: این اجلاس قرار بود حدود سه سال قبل برگزار شود، اما به دلایل مختلف با تأخیر مواجه شد. با پیگیری‌های بسیار خوبی که وزارت امور خارجه و سازمان حفاظت محیط زیست انجام دادند، موفق شدیم با وجود شرایط موجود در کشور، این اجلاس را امسال در ایران برگزار کنیم.

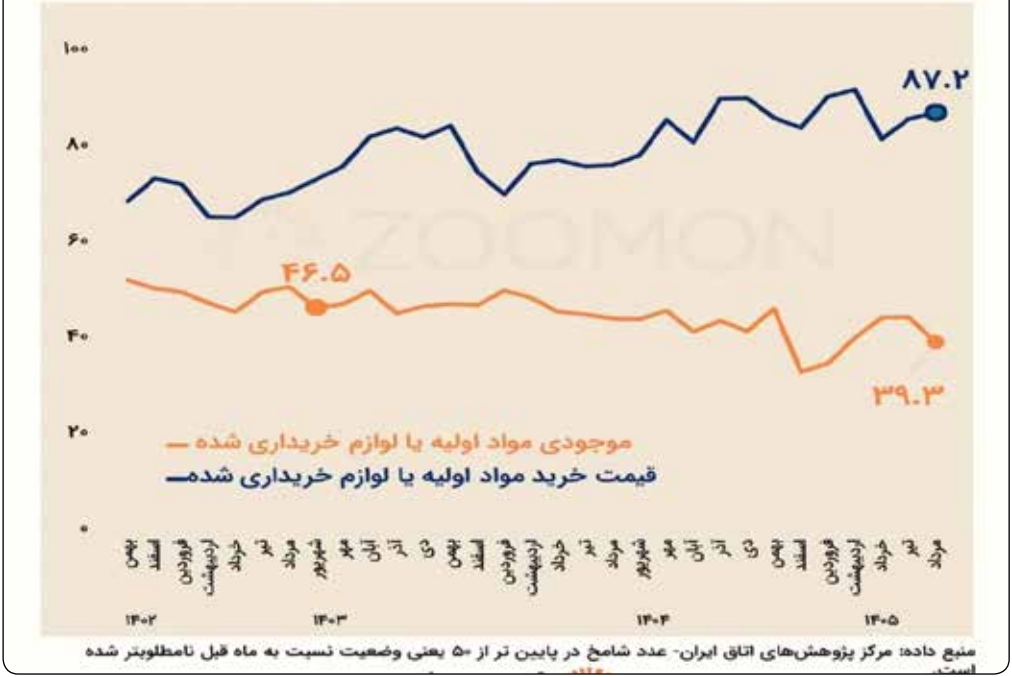
لاهیجان‌زاده درباره محورهای مورد بررسی در نشست کارشناسی اضافه کرد: کارشناسان پنج کشور در حال نهایی کردن اسنادی هستند که قرار است در روز چهارشنبه با حضور نمایندگان ارشد کشورهای عضو به امضا برسند.

معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست در مورد اهمیت تراز آب دریای خزر اضافه کرد: یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث، کاهش تراز آب دریای خزر است؛ مسئله‌ای که برای هر پنج کشور ساحلی به یک نگرانی جدی تبدیل شده است. پایش دریای خزر، حفاظت منطقه‌ای از فوک خزری و حفاظت از تنوع زیستی این پهنه آبی از دیگر موضوعاتی است که در نشست‌های کارشناسی مورد بررسی قرار دارد. پس از توافق بر سر جزئیات و مسائل فنی، اسناد نهایی خواهد شد و در قالب بیانیه‌ای به اطلاع کشورهای منطقه و مردم این کشورها خواهد رسید.

لاهیجان‌زاده درباره حضور هیئت‌های کشورهای عضو در این اجلاس گفت: با وجود سختی‌هایی که به وجود آمده بود، هیئت‌ها توانستند خودشان را به‌موقع به تهران برسانند. برخی کشورها حتی در جلسات کارشناسی در سطح معاون وزیر حضور یافته‌اند و هیئت‌های اعزامی به‌صورت کامل در نشست‌ها شرکت کرده‌اند. چه در بحث دریای خزر و چه در جنوب، یعنی خلیج فارس و دریای عمان، محوری که فارغ از مسائل سیاسی همه کشورها را به دور هم جمع کرده، بحث محیط زیست است.

## گزارش اتاق ایران از انبارهای خالی مواد اولیه

روند شامخ موجودی و قیمت مواد اولیه تا مرداد ۱۴۰۵



**سپیده گروه راهبردی – مرتضی فاختری** – تازه‌ترین

گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران از شاخص مدیران خرید در مردادماه ۱۴۰۵، تصویری دوگانه و در عین حال هشداردهنده از وضعیت اقتصاد ایران ترسیم می‌کند. در نگاه نخست، آمارها از بازگشت نسبی تولید به محدوده رشد و نزدیک شدن شاخص صنعت به مرز خشتی حکایت دارند، اما لایه‌های زیرین این داده‌ها روایتی متفاوت را آشکار می‌سازند. کاهش پیوسته موجودی مواد اولیه در انبارهای بنگاه‌های تولیدی، همراه با جهش هزینه‌های تأمین نهاده، نشانه‌هایی از شکل‌گیری فشار تورمی جدیدی است که می‌تواند در ماه‌های آینده به سفره خانوارها راه یابد. شاخص مدیران خرید که بر پایه نظرسنجی میدانی از فعالان اقتصادی مجاسبه می‌شود، به عنوان یکی از پیشروترین ابزارهای سنجش وضعیت کسب‌وکار، عدد ۵۰ را مرز میان رونق و رکود می‌شناسد. عددی بالاتر از این سطح، بهبودنسبت به ماه پیشین را نشان می‌دهد و عددی پایین‌تر، انقباض فعالیت‌ها را بازتاب می‌دهد.

بر اساس این گزارش، شاخص کل اقتصاد در مردادماه ۱۴۰۵ به ۴۶٫۹ رسیده که برای هفدهمین ماه متوالی زیر مرز خشتی قرار دارد و از تداوم انقباض در اقتصاد ایران خبر می‌دهد. در بخش صنعت امسا تصویری متفاوت دیده می‌شود. شاخص مقدار تولید محصولات صنعتی با ثبت عدد ۵۱ برای نخستین بار پس از دوره‌ای طولانی وارد محدوده رشد شده است. این بهبود نسبی می‌تواند بازگشت بخشی از ظرفیت تولید یا تکمیل سفارش‌های معوق باشد، اما آنچه این رشد شکننده را تهدید می‌کند، ضعف هم‌زمان تقاضا و بحران در زنجیره تأمین نهاده‌هاست. شاخص سفارش‌های جدید مشتریان در مردادماه به ۴۷٫۵ رسیده که هفدهمین ماه متوالی زیر مرز ۵۰ را ثبت کرده است. این بدان معناست که تولیدکنندگان با افزایش تولید، کالایی را روانه بازار می‌کنند

که خریداری برای آن متصور نیست و این تناقض می‌تواند در ماه‌های آینده به انباشت محصول نهایی و توقف خطوط تولید منجر شود.

نگران‌کننده‌ترین بخش گزارش اما به شاخص موجودی مواد اولیه مربوط می‌شود. این شاخص در مردادماه به ۳۹٫۳ رسیده که پایین‌ترین سطح چهار ماه اخیر را نشان می‌دهد و برای شانزدهمین ماه متوالی در محدوده انقباضی باقی مانده است. کاهش موجودی انبارها در حالی رخ می‌دهد که شاخص قیمت مواد اولیه با لوازم خریداری شده به ۸۷٫۲ رسیده و بالاترین سطح سه ماه اخیر را ثبت کرده است. ترکیب این دو عامل، یعنی خالی شدن انبارها از یک سو و جهش قیمت نهاده‌ها از سوی دیگر، معادله‌ای نگران‌کننده را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد. فعالان اقتصادی در پاسخ به پرسش‌های این نظرسنجی، مشکلات تخصیص ارز، دشواری واردات، توقف کالا در گمرک و مرزها، اختلال در حمل‌ونقل و افزایش هزینه‌های لجستیک را به عنوان مهم‌ترین عوامل تشدید فشار بر زنجیره تأمین معرفی کرده‌اند. این موانع در شرایطی بر تولیدکنندگان تحمیل می‌شود که آنان هم‌زمان با ضعف تقاضا و کاهش قدرت خرید مشتریان دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

کاهش موجودی مواد اولیه در ادبیات اقتصادی، سیگنالی از تورم قریب‌الوقوع تلقی می‌شود. زمانی که بنگاه‌های تولیدی با کمبود نهاده مواجه می‌شوند، نخستین واکنش آنان کاهش تولید و افزایش قیمت محصولات است. در شرایطی که تقاضا نیز ضعیف باشد، امکان انتقال کامل هزینه‌ها به قیمت فروش محدود می‌شود و حاشیه سود بنگاه‌ها تحت فشار قرار می‌گیرد. اما این وضعیت نمی‌تواند پایدار بماند. در میان‌مدت، بنگاه‌ها ناچارند قیمت‌ها را افزایش دهند یا از بازار خارج شوند. هر دو سناریو به کاهش عرضه و افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود، پیامدی که به‌طور مستقیم بر سفره خانوارها اثر می‌گذارد. گزارش اتاق ایران نشان می‌دهد که شاخص

قیمت محصولات تولیدشده و خدمات ارائه‌شده نیز با عدد ۶۳٫۱ در بالاترین سطح سه ماه اخیر قرار گرفته است. این افزایش قیمت‌ها در شرایطی رخ می‌دهد که شاخص اشتغال کل اقتصاد در محدوده ۴۷٫۳ باقی مانده و برای پانزدهمین ماه متوالی زیر مرز خشتی قرار دارد. تداوم انقباض در بازار کار به معنای آن است که فشارهای رکودی از یک سو و فشارهای تورمی از سوی دیگر، هم‌زمان بر اقتصاد ایران سنگینی می‌کنند و فضای رکود تورمی را تشدید می‌نمایند.

ریشه‌های این وضعیت را باید در مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و سیاستی جستجو کرد. محدودیت‌های ارزی و نبود دسترسی پایدار به ارز معتبر، مهم‌ترین گلوگاه پیش‌روی واردکنندگان مواد اولیه است. بنگاه‌ها برای تأمین نهاده‌های مورد نیاز خود با محدودیت جدی مواجه‌اند و در بسیاری از موارد، فرآیند ثبت سفارش، تخصیص ارز و انتقال نهایی آن به فروشنده خارجی ماه‌ها به طول می‌انجامد. تجربه بازار روغن نباتی در ماه‌های گذشته نمونه‌ای گویا از این بحران است. معوقه ارزی واردکنندگان روغن خام از مرز یک میلیارد دلار عبور کرد و همین امر موجب شد تولید روغن نباتی به کمتر از ۱۳۰ هزار تن در ماه برسد، در حالی که این رقم در شرایط عادی بالغ بر ۲۰۰ هزار تن بود. کارخانه‌هایی با ظرفیت ۵۰۰ در صد با کمتر فعالیت می‌کردند، برخی خطوط تولید به‌طور کامل متوقف شده بودند و قفسه‌های فروشگاه‌ها از کالای نهایی خالی ماندند. این الگو، مسیری است که دیگر صنایع نیز در صورت تداوم محدودیت‌های ارزی می‌توانند در پیش بگیرند.

اختلال در زنجیره تأمین تنها به محدودیت‌های ارزی خلاصه نمی‌شود. آسیب به زیرساخت‌های تولیدی و واحدهای بالادستی در جریان تحولات اخیر، ظرفیت تأمین داخلی نهاده‌ها را نیز تحت فشار داده است. صنعت پتروشیمی به عنوان تأمین‌کننده اصلی مواد اولیه صنایع پایین‌دستی، در ماه‌های گذشته با اختلال در واحدهای یوتیلیتی و کاهش ظرفیت تولید مواجه شد. این اختلال به سرعت در زنجیره تولید محصولات وابسته به پلیمرها و مواد شیمیایی منتشر شد و قیمت مواد اولیه صنعت پلاستیک را در برخی موارد تا دو برابر افزایش داد. صنایع غذایی، صنایع فلزی، تولید وسایل نقلیه و قطعات وابسته نیز هر یک به شکلی از این بحران تأثیر پذیرفتند. گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نشان می‌دهد که شاخص قیمت خرید مواد اولیه در بخش صنعت در ماه‌های اخیر به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده و از بالاترین سطح چند سال گذشته عبور کرده است. این افزایش هزینه‌ها در شرایطی رخ می‌دهد که بنگاه‌ها با کمبود شدید نقدینگی و مطالبات معوق مواجه‌اند و توان تأمین سرمایه در گردش آنان به شدت محدود شده است.

پیامدهای این وضعیت برای خانوارها در ماه‌های آینده می‌تواند تشدید شود. کاهش موجودی مواد اولیه در انبارها به معنای کاهش ذخیره بنگاه‌ها برای ادامه تولید در ماه‌های پیش

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

# سکوت انبارها فریاد قیمت‌ها

رد پای تورم آینده در گزارش اتاق ایران

روست. اگر ورودی نهاده‌ها به انبارها با همین روند کاهش ادامه یابد، بنگاه‌ها در نهایت با کاهش تولید یا توقف خطوط مواجه خواهند شد. کاهش عرضه کالا در بازار، به‌ویژه در کالاهای اساسی و صنایع غذایی، فشار تورمی را افزایش می‌دهد و این فشار مستقیماً بر قیمت‌های خرده‌فروشی و سفره خانوار اثر می‌گذارد. تجربه نشان داده است که در شرایطی نظیر آنچه در بازار روغن رخ داد، شکل‌گیری انتظارات تورمی می‌تواند سرعت بحران را افزایش دهد. فروشنده‌ای که نگران محموله بعدی است، موجودی خود را دیرتر عرضه می‌کند؛ خانواری که نگران آینده است، خرید احتیاطی خود را افزایش می‌دهد؛ و بنگاهی که تصور می‌کند قیمت نهاده فردا افزایش می‌یابد، امروز خرید بیشتری انجام می‌دهد. این رفتارهای پیش‌دستانه، بازاری را که شاید از نظر فیزیکی هنوز با کمبود جدی مواجه نشده است، ناگهان با فشار تقاضای مضاعف روبه‌رو می‌کند و شکاف میان عرضه و تقاضا را عمیق‌تر می‌سازد.

سیاست‌گذار در این شرایط با معمای دشواری مواجه است. از یک سو، تخصیص ارز ارزان و سرکوب قیمت‌ها به کاهش انگیزه عرضه و تشدید کمبود می‌انجامد. از سوی دیگر، آزادسازی قیمت‌ها و افزایش نرخ ارز، فشار معیشتی بر خانوارها را تشدید می‌کند و ممکن است به ناآرامی‌های اجتماعی دامن بزند. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که راه‌حل‌های مقطعی و مسکن‌وار، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت آرامش نسبی ایجاد کند، اما در میان‌مدت به تعمیق بحران می‌انجامد. آنچه این گزارش به‌روشنی بازتاب می‌دهد، ضرورت اتخاذ رویکردی جامع و هماهنگ برای رفع گلوگاه‌های زنجیره تأمین، تأمین پایدار ارز برای واردات نهاده‌ها، تسهیل فرآیندهای گمرکی و بهبود شرایط حمل‌ونقل است. بدون چنین رویکردی کرد، بهبود نسبی تولید در مردادماه نمی‌تواند پایدار بماند و اقتصاد ایران با خطر بازگشت به دوره‌ای عمیق‌تر از رکود تورمی مواجه خواهد شد.

گزارش اتاق ایران از انبارهای خالی مواد اولیه را باید هشدارنی جدی تلقی کرد. کاهش موجودی انبارها در شرایطی که قیمت نهاده‌ها در حال افزایش است، ترکیبی سسمی را ایجاد می‌کند که می‌تواند به جهش قیمت‌ها در ماه‌های آینده منجر شود. این هشدار زمانی جدی‌تر می‌شود که توجه کنیم شاخص انتظارات فعالان اقتصادی برای ماه آینده نیز ضعیف‌تر شده و به پایین‌ترین سطح چهار ماهه پس از پایان جنگ رسیده است. فعالان اقتصادی، به عنوان کسانی که نزدیک‌ترین ارتباط را با واقعیت‌های میدانی دارند، چشم‌انداز روشنی برای آینده نمی‌بینند. این نااطمینانی خود عاملی است که تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری، تولید و استخدام را دشوارتر می‌کند و چرخه رکود را تداوم می‌بخشد. شکستن این چرخه نیازمند اقداماتی فراتر از تدابیر مقطعی است؛ اقداماتی که ریشه در درک عمیق از ساختار اقتصاد ایران و پذیرش محدودیت‌های واقعی آن داشته باشد.

عضو هیات علمی دانشگاه لرستان:

### مدیریت نوین آب می‌تواند چالش‌های ناشی از خشکسالی در شیلات را کاهش دهد

کم‌بارشی نیز موجب افت تولید شود. وی افزود: تغییرات اقلیمی و خشکسالی از جمله چالش‌هایی است که بسیاری از فعالیت‌های تولیدی از جمله آبی‌پروری با آن مواجه هستند، اما برای مدیریت این شرایط، راهکارهای علمی و مهندسی متعددی وجود دارد. عضو هیات علمی دانشگاه لرستان با اشاره به نقش فناوری در مدیریت منابع آبی گفت: مدیریت کیفیت آب با استفاده از روش‌های نوین تیمار آب، فیلتراسیون فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی می‌تواند کیفیت منابع آبی را تا حد زیادی بهبود دهد و بخشی از محدودیت‌های ناشی از کاهش منابع آب را جبران کند. نصری ادامه داد: یکی دیگر از راهکارهای مقابله با کمبود آب، استفاده

عضو هیات علمی گروه آموزشی مهندسی شیلات دانشگاه لرستان با اشاره به تأثیر تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آبی بر فعالیت‌های آبی‌پروری گفت: استفاده از فناوری‌های نوین مدیریت آب، تصفیه و بازچرخانی می‌تواند تا حد زیادی اثرات کم‌آبی را کاهش داده و زمینه تداوم تولید در مزارع شیلاتی را فراهم کند. به گزارش اقتصادسرآمد، منوچهر نصری به ایستنا اظهار کرد: هر گونه تغییر در الگوی تأمین آب می‌تواند آثار مستقیم و غیر مستقیمی بر فعالیت‌های شیلاتی داشته باشد؛ به گونه‌ای که افزایش دبی آب و کل آلود شدن منابع آبی در فصل‌های پربارش می‌تواند مشکلاتی برای آبی‌زان ایجاد کند و کاهش دبی آب در دوره‌های

ژئوپارک جهانی قشم – جزایر ناز در گذر زمان

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریبا عزیزی – اقتصاد سرآمد